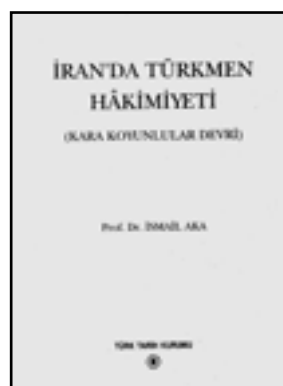


# ایران در دوره قراقوینلوها

• حسین شیخ\*

از جمله ویژگی‌های مثبت کتاب اسماعیل آکا، عدم تعصب و جانبداری او از فرد یا سلسله‌ای خاص است



■ حاکمیت ترکمانان در ایران (دوره قراقوینلوها)

■ نویسنده: اسماعیل آکا

■ ناشر: آنکارا، انجمن تاریخ ترک،

۲۰۰۱، هشت + ۱۰۲ ص

گرچه تیمور در لشکرکشی و امور نظامی فردی توانا و با تدبیر بود، اما در گزینش جانشینش، پیرمحمد پسر جهانگیر، فرزند متوفایش، سخت به خطرافت. چون پس از مرگ تیمور شاهزادگان تیموری به این انتخاب تمکین نکردند و در بین آن‌ها بر سر تصاحب قلمرو تیمور جنگ در گرفت. از سوی دیگر کسانی که بر اثر حمله تیمور سرزمین‌های خود را از دست داده بودند، از این آشفته بازار بهره جسته و به سرزمین‌هایشان بازگشتند. در بین این افراد قراقویوسف قراقوینلو موفق‌تر از همه بود و بعدها در دسرهای زیادی برای تیموریان ایجاد کرد.

کتاب اسماعیل آکا<sup>۲</sup> (آقا) از آخرین روزهای تیمور و جدال تیموریان و دیگران بر سر قلمرو تیمور آغاز می‌شود. کتاب در دو بخش تدوین یافته است. بخش نخست از مجادله قراقویوسف با میرزا ابوبکر تیموری آغاز و به مرگ شاهرخ ختم می‌شود. در این بخش به

جنگ‌های قراقویوسف با تیموریان، به ویژه لشکرکشی‌های سه گانه شاهرخ به آذربایجان و عراق عجم پرداخته شده است.

بخش دوم را می‌توان تاریخ سیاسی ایران پس از مرگ شاهرخ (۸۵۰ هـ. ق) تا کشته شدن ابوسعید تیموری (۸۷۳ هـ. ق) و سقوط دولت قراقوینلو به شمار آورد. در این بخش، اوضاع نابسامان ایران پس از شاهرخ و رقابت حاکمان مختلف بر سر سرزمین‌های یکدیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کتاب با وجود حجم کم، درباره اوضاع سیاسی ایران از مرگ شاهرخ تا سقوط قراقوینلوها کم نظیر است. نویسنده با بهره‌گیری از منابع دست اول و تجربه سال‌ها پژوهش و تحقیق در آن دوران، اثری عالمانه پدید آورده است. از ویژگی‌های دیگر کتاب عدم تعصب و جانبداری نویسنده از فرد یا سلسله‌ای خاص است. از این رو نه تنها در پی ارائه تصویری مثبت یا منفی از این یا آن یا پنهان کردن وقایع به نفع یا ضرر کسی یا سلسله‌ای نبوده است، بلکه در روایت حوادث و اعمال افراد به غایت کوشیده است تا هم به منابع وفادار باشد و هم با تجزیه و تحلیل موشکافانه روایات در مورد حوادث، صورت صحیح روایت را دریابد.

ویژگی دیگر کتاب، پی‌نوشت‌ها و حواشی کتاب است که به اندازه متن مهم و پرنکته‌اند. این نکته را نیز باید گفت که گرچه کتاب از نوع تواریخ سیاسی است، اما در کنار آن به مسائل اجتماعی نیز اشاره می‌شود و از احوال نابسامان مردم، به ویژه در دوران جنگ و آشوب پس از شاهرخ اخباری ارائه می‌گردد. از آن میان می‌توان به سه بار خراج ستانی از مردم خراسان در یک سال (ص ۵) و ظلم ترکمانان بر مردم ری (ص ۷۶) اشاره کرد.

اما چند مورد درباره کتاب وجود دارد که اشاره به آن‌ها خالی از فایده نیست و طرح آن‌ها نیز بر سبیل خرده‌گیری نیست، بلکه به پیروی از نویسنده در جهت شفاف ساختن مطالب تاریخی است:

## به عقیده پروفیسور یاکو بووسکی، کتاب شجره تراکمه ابوالغازی بهادر خان تنها منبع تاریخی قابل اعتنا در خصوص پروسه شکل گیری تیره‌ها و طوایف جدید ترکمن است

رنه گروسه:  
شجره تراکمه برای  
دانستن تاریخ چنگیزخان  
و اولاد و احفاد او  
مخصوصاً شاخه جوجی که  
مؤلف خود بدان تعلق  
داشته، منبعی بسیار  
گرانبها است



شده‌اند و خواهش کردند، چه خوب بود که تاریخی از میان این‌ها استخراج می‌شد که قابل استناد و معتبر باشد. ما نیز تقاضای آن‌ها را اجابت کردیم. (ص ۲)

رنه گروسه ابوالغازی بهادر را یکی از بزرگ‌ترین مورخین زبان ترکی جغتایی می‌داند.<sup>۲</sup> نویسنده پس از ستایش خداوند و تمجید پیامبر (ص) به معرفی خود می‌پردازد و خود را نواده چنگیز ذکر می‌کند.

نویسنده ابتدا به ذکر آدم (ع) می‌پردازد. بعد از ذکر فرزندان حضرت آدم و مدت عمر هر یک، به نوح (ع) می‌رسد و دوران پیامبری و دعوی خلق و ساختن کشتی و ... را توضیح می‌دهد. وی می‌نویسد که از نوح پیامبر سه فرزند باقی ماندند که هر یک را به سویی روانه کرد. حام را به هندوستان، سام را به ایران زمین و یافث را به سوی قطب شمال عازم کرد و گفت از فرزندان آدم غیر از شما کسی دیگر نمانده است. شما درس‌زمین‌های خود مستقر شوید و زاد و ولد نمایید. بعضی گویند که یافث پیامبر بوده است. بعضی نیز خلاف این را گویند. یافث طبق امر پدر از کوه جودی روانه شد و در ساحل رودخانه‌های آتل<sup>۳</sup> و یایق<sup>۴</sup> مستقر شد. ۲۵۰ سال در آن جا بود و سپس فوت کرد. هشت فرزند داشت. نام فرزندان او چنین است: ترک، خزر، سقلاب، روس، منگ، چین، کماری، تاریخ. یافث به هنگام فوت پسر ارشد خود، ترک را به جانشینی برگزید و به فرزندان دیگر گفت که ترک را پادشاه خود بدانند و از او اطاعت کنند. به ترک لقب «ابن یافث» دادند. بسیار عاقل و مؤدب بود و ... (صص ۶-۷) نویسنده پس از ارائه این توضیحات به مبحث «ذکر ولادت اوغوز خان» می‌رسد و او را نوه مغول خان و فرزند قراخان می‌داند. طبق نوشته ابوالغازی در زمان قراخان کُفر چندان ریشه دوانده بود که چنانچه پدري از اسلام آوردن فرزند مطلع می‌شد، او را می‌کشت و بالعکس. (ص ۹)

بدیهی است که منظور نویسنده از مسلمان شدن باید یکتاپرستی باشد. نویسنده توضیح می‌دهد که راز اسلام آوردن اوغوز مشخص شد و بین پدر و فرزند جنگ درگرفت. سرانجام پسر پیروز شد و بر تخت پدر جلوس کرد. البته نویسنده توضیح می‌دهد که پدر اوغوز قصد داشت او را به سبب مسلمان شدن از بین ببرد.

نویسنده در فصل «ذکر خان شدن اوغوز خان» می‌نویسد: اوغوز خان همه افراد ایل را به اسلام دعوت کرد. اسلام آوردگان را عزت داد و منکرین را چپاول کرد، کشت و فرزندان‌شان را به اسیری گرفت. در ادامه به نبردهای اوغوز خان با ایلات ساکن در سرزمین مغول و غلبه بر آن‌ها، فتح چین و فتح قراختای اشاره می‌کند. از ایل قیچاق و حتی حمله چنگیزخان و محمد خوارزمشاه سخن به میان می‌آورد. در مورد جوجی فرزند چنگیزخان و جنگ‌های او نیز توضیحاتی ارائه می‌دهد.

«ذکر سفر هندوستان و توران اوغوز خان» و «ذکر سفر اوغوز خان به ایران، شام و مصر» از دیگر مطالب کتاب است. نام مناطق مختلف